



فلسفه فراغت

مترجمین

دکتر زینت نیک آیین. فریده ایرج. محمد سلامی.

شهاب خدا آبادیان. مهدی سادات الحسینی

سرشناسه: بوئر، یوهان، ۱۹۵۵ م

Bouwer, J. (Johan)

عنوان و نام پدیدآور: فلسفه فراغت/ مترجمین زینب نیک آیین -- [و دیگران]

مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قلم و ورزش، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۷۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۲۳۰-۹-۹

وضعیت فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

یادداشت: زینت نیک آیین، فریده ایرج، محمد سلامی، شهاب خداآبادیان، مهدی سادات الحسینی

یادداشت: عنوان اصلی: Philosophy of Leisure: Foundations of the good life

موضوع: اوقات فراغت -- فلسفه

موضوع: Wellbeing -- Philosophy Leisure -- Philosophy

مناسه افزوده: لون، مارکو وان، ۱۹۷۶ م

رده بنده: ۳۰۳: ۱۳۹۷ ف ۹ ب/ ۱۴ GV

رده دی دی ۲۶/۴۸۱۲

شمار کتابخانه: ۵۳۲۲۹۷



نام کتاب: فلسفه فراغت

مؤلفین: دکتر زینت نیک آیین، فریده ایرج، محمد سلامی، شهاب خداآبادیان، مهدی سادات الحسینی

ناشر: انتشارات قلم و ورزش

طراح جلد: ذاکر تولایی

صفحه آرای: علی جهانگیر فیض آبادی

قطع: وزیری

تاریخ چاپ: تابستان ۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۲۳۰-۹-۹

چاپ: تابان

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

فلسفه‌ی اوقات فراغت	۵
پیش‌گفتار	۸
مقدمه	۹

بخش اول: ایده‌های اوقات فراغت در تاریخ

مقدمه	۹
فصل اول: ایده‌های اوقات فراغت در تاریخ	۲۱

بخش دوم: فلسفه‌ی اوقات فراغت

فصل دوم: اوقات فراغت و آزادی	۵۱
فصل سوم: اوقات فراغت و تجربیات مصداقی	۷۵
فصل چهارم: اوقات فراغت و هویت	۹۷
فصل پنجم: اوقات فراغت و اخلاقیات (کردارشناسی)	۱۱۷

بخش سوم: دستورالعمل‌های آینده

فصل ششم: جسمیت و اوقات فراغت مجازی	۱۵۷
فصل هفتم: اوقات فراغت و معنویت رویکردهای جدید سازنده	۱۸۱
فصل هشتم: اوقات فراغت، رفاه و خودپنداشت	۱۹۷
فصل نهم: اوقات فراغت آرمانی در یک دنیای آرمانی	۲۲۱

نتیجه‌گیری

مدت زمان زیادی نمی‌گذرد که فیلسوف بزرگ آمریکایی ریچارد رورتی^۱ انتزاعی بودن فلسفه‌ی تحلیلی و سواس فکری‌اش درباره‌ی مبانی دانش را مورد انتقاد قرارداد. رورتی شهیر در جایگاه خود فلسفه‌ی مترسی و بیشتر اجتماعی را مطالبه کرد که نه تنها خیال‌انگیزتر، که به موجب آن، نسبت به فلسفه‌ی تحلیلی هزینه‌برتر و قادر به داوری کامل تجربیات شخصی و اجتماعی ما است. رورتی در مقاله‌ی «آکادمیک خود این ۲ دنیای فلسفی را، با چشم‌پوشی از نقش ویژه‌ی خود به عنوان واسطه‌ی اطلاع‌کسود، که کارش به عنوان آنچه وی مشاهده کرد، ارتقای ارتباطات بین این ۲ نوع جستجوی متفاوت بود.

موقعیت رورتی آن چیزی نیست که جان بولور^۲ و رگنون لویی ون می‌پذیرند، بلکه فلسفه‌ی اوقات فراغت، پاسخی است به درخواست وی برای یک رویکرد دوگانه از فلسفه‌ی اوقات فراغت. آنچه این ۲ رویکرد فلسفی را در این کتاب به هم مرتبط می‌کند، استفاده از میان پرده، که علاوه بر امکان تطبیق دادن راهی برای انجام فلسفه با دیگری برای مؤلفین، آنها را برای تخمین زدن مسیری از مدرنیته به پست‌مدرنیته توانمند می‌سازد. همان‌طور که اشاره می‌کنند، ایجاد چنین پیوندهای تاریخی از این حیث اهمیت دارد که آنچه در اوقات فراغت خود انجام می‌دهیم، همیشه به واسطه‌ی رویدادهایی که می‌توانند متفاوت باشند، تعیین می‌شود.

1. Richard Rorty

2. Johan Bouwer

مقدمه

تحقیقات اوقات فراغت به عنوان یک رشته‌ی دانشگاهی از جامعه‌شناسی تکوین یافته است و اگرچه از طریق رشته‌های آکادمی متعدد همچون روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، جغرافیا، اقتصاد و علوم سیاسی تحقیق شده است، ارتباط بسیار قوی با علوم اجتماعی دارد. سابقه‌ی تحقیقات اوقات فراغت به عنوان یک رشته‌ی علمی ۳۰ سال شده است و میان‌رشته‌ای بودنش به عنوان عامل کلیدی در توسعه‌ی مفاهین آمیزش تشخیص داده شده است. اگرچه جامعه‌شناس‌های انعطاف‌ناپذیر اعتقاد دارند اوقات فراغت، فعالیتی تابع نیروی کار در زندگی انسان است، اوقات فراغت را به خودی خود آن چیزی مطرح می‌کنند که از طریق آنچه مفهوم می‌یابد که هستی (وجودی) فرهنگی، سیاسی، اخلاقی و روحی می‌تواند ارتقا داده شود و برای بهسازی زندگی بطور کلی بسامان شود. مشخصه‌ی این اظهارنظر، فراغت (غرو)، بمعنی خموشی صدای رسای نیروی کار در واقعیت اجتماعی است.

تحقیقات اوقات فراغت یک رشته‌ی علمی بالیده شده‌اند و واقعیت اجتماعی هرگز کاملاً درک نمی‌شود، اگر یکی از اجزای سازنده‌ی بنیادی‌اش، یعنی اوقات فراغت، نادیده گرفته شده بودند. اما بررسی مطالب مورد بحث ظاهراً در گوشه‌ای از قلمروی مبسوط (فراگیر) بررسی‌های اوقات فراغت گرفتار شده است. برخی پژوهشگران در ارزیابی وضعیت بررسی‌های اوقات فراغت به عنوان یک رشته‌ی علمی دانشگاهی چندان دقیق نیستند. آنها موکداً ابراز می‌کنند که وضعیت تحقیقات اوقات فراغت بحرانی است. مثلاً موماس^۱ در اوایل ۱۹۹۷ اظهار داشت که

تحقیق در این زمینه با مفاهیم اوقات فراغت یا زمان آزاد چندان مرتبط نبود. یک برداشت از چنین اظهارنظری آن است که الگوی علم اوقات فراغت ارتدکس، مبتنی بر آنچه در مورد بینش‌های جامعه‌شناسی منسوخ است، در تطابق لازمه‌های نظری و روش‌شناختی شکست می‌خورد که اوقات فراغت در عصر اصطلاحاً پست‌مدرن مطالبه می‌کند. کالتر^۱ برای فرونشاندن این بحران مطرح می‌کند که ماهیت مفاهیم اوقات فراغت و ارتباطشان با منابع گسترده‌تر مفهوم و هویت باید در بررسی‌های اوقات فراغت به قدر کافی عنوان شوند. نه رویکرد هنجاری و نه راکرد نظری شناختی، به گفته‌ی وی، برای اوقات فراغت قادر به غلبه بر تنگنایی که بررسی اوقات فراغت با آنها مواجه است، نبوده‌اند. بررسی هستی‌شناسی اوقات فراغت باید توجه بسیار بیشتری را نسبت به قبل دریافت کند. هندرسون^۲ رویکرد چهار ردیفی را برای غلبه بر بحران مطرح می‌کند. وی مطرح می‌کند که اهداف، چشم‌اندازها و مفاهیمی که در وضعیت دائماً در حال تغییر هستند، باید بررسی شوند؛ یک هویت جدید در بررسی‌های اوقات فراغت که در آن اوقات فراغت به عنوان یک ارزش پایه مشاهده می‌شود، باید جستجو شود؛ تحلیل آنچه زندگی را معنادار می‌کند و مهارت‌های بین رشته‌ای با هدف ایجاد دانش هم‌آفرینی^۳ باید اتخاذ شود. بلک شاول^۴ در اجبار فلسفی (نظریه کیک) هرمنوتیک^۵ با جامعه‌شناسی ارتدکس اوقات فراغت، کاوش ارتباطات مفهومی بین «وقات فراغت روان» و مفاهیم جداگانه‌ی اوقات فراغت را لازم می‌داند. تحلیل‌های مثبت‌گرایی در رسیدگی به پراختی (به مفهوم منحصر بفرد) نگرش‌ها یا فعالیت‌های اوقات فراغت (شکست خورده‌اند. وی روی ترمینولوژی انسانی برای مفهوم و اصالت در «زمینه‌ی مدرن روان» تمرکز می‌کند، مبتنی بر آنچه براساس آن است و کاوش وابسته به آن از طریق عاملیت‌های اجتماعی است. اوقات فراغت از یک نظر به عنوان تحلیل‌گر مفهوم و حیطه در آزادی فردی نگریسته می‌شود. این پژوهشگران به در فلسفه می‌نگرند. انگیزه‌های جدید ظاهراً لازم هستند.

1. Coalter

2. Henderson

3. co-created

4. Blackshaw

5. hermeneutics علم تأویل، تأویل‌شناسی

در حالی که اوقات فراغت عمدتاً از طریق بسیاری از رشته‌های علمی در حوزه‌ی علوم اجتماعی بررسی شده است، با رشته‌های علمی که تحت عنوان انسان‌شناسی دسته‌بندی شده‌اند همچون تاریخ، مردم‌شناسی و مطالعات منطقه‌ای، همپوشانی نسبتاً ناچیزی داشته است. بالاخص برگشت علم تأویل در جامعه‌شناسی، برخی اذهان جامعه‌شناسی را به فلسفه و حتی به مذهب و روحانیت باز کرده است. اما ماحصل بررسی‌هایی که در تردیدهای فلسفی در زمینه‌ی بررسی‌های اوقات فراغت نقش داشتند، نسبتاً کوچک است.

تک‌نگاشتهای قرن بیستم که به جنبه‌های بنیادین اوقات فراغت می‌پردازند، بسیار کمیاب هستند. این تک‌نگاشت‌ها در دوران‌های مختلف تاریخی یافت شده‌اند و از زوایای مختلف رشته‌های علمی نوشته شده‌اند. معدود کلاسیک‌های مدرن که روی پدیده‌ی اوقات فراغت تمرکز می‌کنند، به زبان انگلیسی منتشر شده‌اند، بشرح ذیل هستند: *Homo Ludens* (هویزینجا، ۱۹۵۰) رویکرد تاریخی- فرهنگی را برای پدیده‌ی بازی می‌گیرد و به عنوان یک رکن ضروری، اما ناکافی، در فرهنگ سیاسی لحاظ شده است، در حالی که «اوقات فراغت، مبنای فرهنگ»^۱ (پی‌ایر، ۱۹۹۸) رویکرد فلسفی- مردم‌شناسی را برای تمایز صریح بین کار و اوقات فراغت می‌گیرد، که به موجب آن اوقات فراغت به استراحت، تفکر و تعمق مربوط می‌شود و به عنوان ضروری‌ترین جنبه‌ی هر فرهنگی مطرح شده است. کلاسیک دیگری که باید همراه با دومی دیگری ذکر شود که «زمان، کار و اوقات فراغت»^۲ نوشته‌ی دین گرازیا^۳ (۱۹۶۲) است. وی در تعیین بازتاب جامعه‌شناسی روی کار در قالب تاریخ (مفهومی) را آن‌سوی اوقات فراغت بسیار تلاش کرد. مقدمه‌ی وی آن است که اوقات فراغت در مورد تفکر، سیاست‌ها و درک دنیا، در مقابل اهداف صنعتی منفی جامعه‌ی مدرن است. تک‌نگاشت غیر کلاسیک در قرن بیستم دارد، «مفاهیم تفریح و اوقات فراغت»^۴ یک تحلیل قابل تأمل، نوشته‌ی شبور^۵ در ۱۹۶۱ است. وی اوقات فراغت و تفریح را به عنوان بخش‌های مهم رفتار انسان از چشم‌اندازهای تاریخی، فرهنگی

1. Huizinga
2. Leisure. The Basis of Culture
3. Of Time, Work and Leisure
4. De Grazia
5. Leisure and Recreation Concepts
6. Shivers

و عقلانی بررسی می‌کند. در یک مسیر تقریباً روان‌شناختی درمی‌یابد تفریح از اوقات فراغت متفاوت است. اوقات فراغت به عنوان زمان فراغت از کار و تاملایمات‌اش مشاهده می‌شود، و یادگیری آن چیزی را در پی دارد که اوقات فراغت باید برای بشریت به ارمغان آورد، درحالی‌که تفریح مکمل نیاز انسان برای هم‌ایستایی (توازن) روان‌شناختی لحاظ شده است و بنابراین هرگونه ناکارآمدی، تجربه‌ی پایانی را به تصویر می‌کشد.

تا آنجا که به کتاب‌شناسی‌ها مربوط می‌شود، ۲ عنوان برجسته هستند. این عناوین عبارتند از: فلسفه‌ی اوقات فراغت^۱ (۱۹۸۹)، ویرایش وینیفریث^۲ و بارت^۳ و اوقات فراغت و اخلاقیات؛ باب ۵ روی فلسفه‌ی اوقات فراغت (۱۹۹۱)، ویرایش فاین^۴. وینیفریث و بارت اعتقاد داشتند که اوقات فراغت نمی‌تواند بدون هرگونه رجوع به کار بحث شود. کار شرط ضروری برای اوقات فراغت است، درحالی‌که اوقات فراغت خاتمه، هدف زندگی انسان است. انواع کار وجود دارند؛ از جمله آنچه قبلاً، ع.ا.ن اوقات فراغت مشاهده شده بود همچون خواندن، نقاشی، نواختن موسیقی، مطالعه و تدریس، همه اوقات فراغت اساساً پیرامون تحقق پتانسیل انسانی است. اوقات فراغت در مورد جاندار است، اینکه چگونه بشریت باید زندگی کند. مؤلفین همکار (شریک) در مورد موضوعاتی مثل دستاورد، رستگاری، ارزش انسانی، محرمانگی و تماماً از گستره‌ی مشکلات اخلاقی بحث می‌کنند. جالب اینجاست که فاین کتابی را از دستاوردهای حاصله در حوزه‌ی «فلسفه‌ی اخلاق یا نظریه‌ی اوقات فراغت» (۱۹۹۱) تألیف کرده است، درحالی‌که عناوین فرعی کتاب را می‌توان به رقی دیگری مطرح کرد. اوقات فراغت، با ذهنیت وی، مفهوم‌سازی آزادی، آزادی فرعی، بیان سلاقی و تمهیددهنده‌ی پتانسیل انسانی است که اساساً با آزادی انتخاب چگونه زندگی کردن مرتبط است. وی بازتاب شخصی در مورد سؤالات اخلاقی را دریافت می‌کند که نسبت به کنش اوقات فراغت بنیادی‌تر است و نتیجه‌گیری می‌کند که ماهیت اوقات فراغت «شگفت‌انگیزی»- کنش برتری (تفوق) خلاق

-
1. The Philosophy of Leisure
 2. Winnifrith
 3. Barret
 4. Leisure and Ethics
 5. Fain

است که تجربه‌ی انسانی را به دستیابی آنسوی محدودیت‌های شناخته‌شده‌اش ترغیب می‌کند و آینده‌ی عاملیت بالقوه را ایجاب می‌کند.

ماحصل مقالات مربوط به موضوعات مبانی فلسفی اوقات فراغت در قرن بیست و یکم نسبت به قرن قبلی قابل توجه تر است. معدود تئنگاشت‌های نوشته شده توسط جامعه‌شناس‌ها که (بخش‌هایی) از زمینه‌های فلسفی اوقات فراغت را پوشش می‌دهند عبارتند از مقاله‌ی هلندی زبان «فلسفه‌ی زمان فراغت» (۲۰۰۳)، نظریه‌ی اوقات فراغت: اصول و روش (۲۰۰۵) از راجک^۱، اوقات فراغت: فلسفی: روش بهبودی بخش (اعاده‌دهنده) در ارتباطات انسانی از هولبا^۲ (۲۰۰۷)، اوقات فراغت از بلک شاو (۲۰۱۰)، ساختن اوقات فراغت: مناقشات فلسفی و تاریخی از اسپراکلن^۳ (۲۰۱۱) و ایده‌ی اوقات فراغت: اصول اولیه از استبینز^۴ (۲۰۱۱). رادمیکرز^۵ اصولاً روی مسائل تاریخی و اجتماعی زمان آزاد/ اوقات فراغت متمرکز می‌شود. شرکای وی در بحث، نمایندگانی (ست) سنت (عرف) فلسفی اروپای قاره‌ای (مثلاً فلاسفه‌ی آلمانی و فرانسوی هستند که در مورد اگزیستانسیالیسم (هستی‌گرایی) و (پست) مدرنیسم نوشتند. حیطه‌ی این کتاب محدود است، توجه به اینکه ارتباط سنت (عرف) فلسفی (آنگلوساکسون) تحلیلی و همبستگی‌ها با علوم دیگر (مثلاً فیزیولوژی عصب در مورد آزادی) از دست می‌دهد و فلسفه‌ی ارتباطی علوم را موجب می‌شود. راجک یک مقاله‌ی سیستمیک جامعه‌شناسی- فلسفی نوشته است که بررسی اوقات فراغت را با علوم انسانی نظری و تاریخی یکپارچه می‌کند. رشته (بند) طلایی در رویکرد وی، عمایات اوقات فراغت در طول زندگی است و با چنین انجایی، وی در زمینه‌ی بین‌رشته‌ای اوقات فراغت مشارکت می‌کند که از جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، جغرافیای انسانی، علوم سیاسی، تاریخ جامعه و نیز مطالعات محیطی، بازرگانی و مدیریت تکامل یافته است. شنونده وی تازه‌گری است که می‌خواهد با بررسی اوقات فراغت آشنا شود. اگرچه وی موضوعات فلسفی را عنوان می‌کند،

-
1. Rojek
 2. Holba
 3. Spracklen
 4. Stebbins
 5. Rademaker

حق تصدی کتاب لزوماً اجتماعی - اقتصادی - جغرافیایی است. هولبا عبارت «اوقات فراغت فلسفی» را در مقابل مفهوم‌سازی‌های جاری اوقات فراغت اختراع می‌کند که روی وقفه‌ها و فعالیت‌های کوتاه‌مدت از کار متمرکز است. وی به مفهوم skhole ارسطو و مفهوم خموشی پی‌اچ‌بی برمی‌گردد و اوقات فراغت فلسفی را به عنوان یک موضوع شخصی و انفرادی دریافت می‌کند که شامل ارتباطات و زیبایی‌شناختی به عنوان راه‌هایی برای تجدیدقوا است. رشد را در طولانی‌مدت، دگرگونی و یک رویکرد یکپارچه برای زندگی شخصی عرضه می‌کند که اساس یک تلاش ذهنی و روحی است. بلک شاو پژوهشگران را به مبارزه فلسفی می‌طلبد. این د. الی است که تأکید خود وی از تاریخ به جامعه‌شناسی در عین تمرکز روی موقعیت‌های مدرنیست و تمدن نیست در بررسی اوقات فراغت تغییر می‌کند. بعلاوه وی نگارش کتاب شبه مقاله را از کتاب کرده است که موقعیت خود را در جامعه‌شناسی اوقات فراغت، بجای بررسی اولین اصول اوقات فراغت به خودی خود بیان می‌کند و از آن دفاع می‌کند. وی روی تحلیل مفهومی سرانجام اوقات فراغت تمرکز نمی‌کند. اسپارک لن انگیزه‌ی تاریخی و تا اندازه‌ای، بحث انسان‌شناسی اوقات فراغت را به عنوان یک مفهوم و یک روش ارائه می‌کند. توجه معطوف شده به رابطه (ارتباط) در اوقات فراغت، از توسعه‌ی علمی - فلسفی مدرن به فصل نهایی کتاب محدود می‌شود که وی در آن به بلک شاو (۲۰۱۰) رجوع می‌کند. اگرچه رابرتز از کتاب اسپارک لن با عنوان «اوقات فراغت: مهمترین دستاور پژوهش اوقات فراغت در قرن بیست و یکم» قدردانی می‌کند، اظهار می‌کند که «تعریف صریح و دقیقی از اوقات فراغت ارائه نشده است». بعلاوه، اگرچه عنوان کتاب استیبا را با چشم‌انداز فلسفی را مطرح می‌کند، این چنین نیست. وی در اصل چشم‌انداز جامعه‌شناختی را در تلاش برای تحلیل مفهوم اوقات فراغت برمی‌گیرد. بحث او از نظر عوامل سه‌گانه در پیشرفت اجتماع و جامعه طرح شده است - بنابراین موقعیت بارزی که وی موجب می‌شود، ایده‌ی «اوقات فراغت جدی» است.

تا آنجا که به رساله‌ها و پیشگفتارهای اوقات فراغت مربوط می‌شود، کارهای مختلفی منتشر شده‌اند که شامل بخشی‌هایی است که به موضوعات فلسفی یا بنیادی می‌پردازند. مثلاً کوپر^۱ فصل آغازین بررسی‌های اوقات فراغت را نوشته است؛ آینده‌نگری‌هایی برای قرن بیست و یکم با عنوان «برخی جنبه‌های فلسفی نظریه‌ی اوقات فراغت». وی اشاره می‌کند که ناهمخوانی پژوهشگری قابل ملاحظه‌ای وجود دارد، در مورد آنچه مفاهیم اوقات فراغت در هدایت نظریه مناسب‌ترین است. اوقات فراغت با این ذهنیت باید فعالیتی باشد که خواسته‌ی درونی را فرامی‌خواند. یعنی به خاطر خودش طولانی شده است و اصالتاً و به صورت خودبینی محقق می‌شود. ادینگتون^۲ و همکاران در کتاب اوقات فراغت و رضایتمندی از زندگی، یک فصل را به «موضوعات مبهم و فلسفی» اختصاص داده‌اند؛ چشم‌اندازهای بنیادین (۲۰۰۲: ۹۲-۱۱۵) و ساجر^۳ با فلسفه‌ی اوقات فراغت در اول فصل «رساله‌ی بررسی‌های اوقات فراغت از روتل دگ^۴ (بلک شاو ۲۰۱۳: ۵-۱۴) مثال شده است. درحالی‌که ادینگتون و همکاران روی فلسفه با هدف جستجوی راهنمایی در موضوع به تنقیح حرفه‌ای تأمل می‌کنند، ساجر روی گسترش فلسفی اوقات فراغت و ارتباط سیاه‌پوستی اخلاقی‌اش تمرکز می‌کند (۲۰۱۳: ۵). ادینگتون و همکاران اساساً دستورالعمل‌هایی را برای ساختن یک چهارچوب (فلسفی) برای کنش و درک هدف و دلایل حاکم بر رفتار و کنش‌ها نقل می‌کنند و جهره‌ی مفهومی خود اوقات فراغت را چندان توضیح نمی‌دهند. ساجر، در تلاش برای سبب ده‌گانه‌ی کار- اوقات فراغت مطرح می‌کند که اوقات فراغت سوالات محوری را در مورد زندگی خوب بودن می‌آورند که مستلزم تأمل در مورد ماهیت و ارزش فعالیت‌ها است و آنچه اوقات فراغت را به فلسفی از جمله حیوانات و طبیعت- را ساختار بندی می‌کند. یک تلاش سیاسی و اخلاقی است فلسفی اوقات فراغت در حیطه‌ی سیاستی باید به مسئله‌ی فضیلت مدنی، در ارتباطش با حقوق بشر، نیازهای بشری، عدالت توزیعی و آموزش رسیدگی کند. ساجر نتیجه‌گیری می‌کند که انستیتوهای اجتماعی باید راه‌هایی را ارزیابی کنند که سبب شکوفایی و ترقی انسانیت شوند.

1. Cooper

2. Edginton

3. Sager.

4. Routledge

در پایان، expose در مورد منابعی که به رویکردهای فلسفی و بنیادین برای اوقات فراغت می‌پردازند، معدود مقالات ژورنالی ذکر خواهند شد که نظرات مختلفی را در مورد لزوم اوقات فراغت نقل می‌کنند. اظهارنظر ویس^۱ درخصوص اوقات فراغت بشرح ذیل است:

زمانی که افراد می‌توانند در بهترین حالت ممکن برای استراحت روزانه باشند... توانمندسازی آنها برای ارائه یک ارزش جدید و شاید یک هدف جدید برای هرچه انجام می‌شود.

برگاز^۲ مطرح می‌کند که فلسفه‌ی اوقات فراغت هر دو رویکرد فلسفی و اجتماعی را با تأثیرات اوقات فراغت، به عنوان یک ارزش و یک غایت، در مورد همه‌ی جنبه‌های زندگی بشری، بالخصوص در مورد آزادی و اخلاق (۱۹۸۰) دربرمی‌گیرد؛ سیلوستر^۳ رده‌های مختلفی همچون بازی کردن، اوقات فراغت، تفریح را مرتبط با اهداف یزدانی همچون ارزش‌های والاتر، مکاشفه و معنویت؛ و بازی، اوقات فراغت، و تفریح مرتبط با شادی و خودشکوفایی (۱۹۸۷) را شناسایی می‌کند؛ اسکروتن^۴ عقیده دارد که اوقات فراغت ابزاری برای تعهد انسانی براساس یک حس اجتماعی است که ثبات شخصی و گروهی را تقویت می‌کند (۲۰۰۱)؛ و ویس^۵ اوقات فراغت را به عنوان دستاوردی برای شکوفایی و ارزش انسانی، براساس جامعه آزاد، رفتار وارسته دریافت می‌کند (۲۰۱۴).

ظاهراً غالب بازتاب‌های فلسفه در مبنای یا اصول اولیه‌ی اوقات فراغت فوق‌الذکر با جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی و حتی تاریخ مرتبط هستند، و در اصل از مشخصه‌ی عملیاتی برخوردارند. این بدان معنی است که رویکرد مبتدأ به بازتاب شدیدتر شیوه‌های اوقات فراغت در مقابل زمینه‌ی توسعه‌ها همچون افزایش بوروکراسی و تفری سازی در بخش خدمات، و کیفیت زندگی، بازاریابی، موضوعات محیطی، مزایای مبتنی بر رویکردهای لذت‌جویی و مدیریت تمایل دارند. رویکردهای هستی‌شناسی-بنیادی در بررسی اوقات فراغت، با ذهنیت رایجی از پژوهشگران اوقات فراغت، نسبتاً نادر هستند و توجه کافی (سیستمیک) به آن نشده است. بنابراین باید عنوان شود:

لذا هدف از این کتاب، ورود به پدیده‌ی اوقات فراغت از چشم‌انداز فلسفه‌ی کاملاً بی‌خدشه

-
1. Weiss
 2. Bregba
 3. Sylvester
 4. Scruton
 5. Wise

است با این امید که ایده‌های جدیدی زایید شوند که بتوانند به احیای بررسی اوقات فراغت یا پرداختن به نظریه‌ی اوقات فراغت کمک کنند همانطور که توسط بلک شاو (۲۰۱۴) ارزیابی شد و به بازبینی ارزیابی مورهوس^۱ منجر شد که «ارتدکس واقعی بررسی‌های اوقات فراغت، یک آشفتگی نظری و مفهومی همراه با عدم تمایل به جداسازی خود آن است، و به موجب آن بحران بررسی‌های اوقات فراغت را تسکین می‌دهد. همانطور که مشخص شده است، هدف از فلسفه، وضوح استدلال‌ها، مفاهیم و زبان است. به درک ایده‌ها و اصول کلی تلاش می‌کند که در پس جنبه‌های متدنی زندگی و زبانی واقع می‌شوند و برای نقل آنها، و به موجب آن توضیح تلویحی و تشریح هم‌متگی‌ها و همخوانی میان پدیده‌ها استفاده می‌کنیم. بازتاب گذشته و حال است و آینده را پیش‌بینی می‌کند. نقطه در مورد تفکر نیست، بلکه تفکر در مورد تفکر است. فلسفه‌ی فعالیت در آنچه نقش دارد که در سطح بستر فلسفی دانش حمایت می‌شود و به شاخه‌های مختلف تقسیم می‌شود. این درحالی است که عملاً آنها همگی در هم نفوذ می‌کنند. فلسفه‌ی سؤالات مهمتر به متافیزیک (هویت انسانی و زندگی مفهومی)، زیباییشناسی (زیبایی در هنر، موسیقی و ادبیات)، اخلاق (ماهیت خوب و اهریمن)، فلسفه‌ی سیاسی و اجتماعی (عدالت و اجتماع) و معرفت‌شناسی و منطق (ماهیت دانش انسانی) مربوط می‌شود. همه‌ی این موضوعات در یک قالب و یا فرم‌های مختلف در این بررسی عنوان می‌شوند، اما عمده مقوله‌ها، دربرگیرنده‌ی آن موضوعات، مفاهیم آزادی، مصداق، هویت و اخلاق هستند.

رویکرد دوگانه‌ی فلسفه دنبال خواهد شد: این رویکرد به موضوعات مفاهیم عرفی (سنتی) در تحلیل مبانی اوقات فراغت علاوه بر نقاط کانونی جدید در حوزه اوقات فراغت رسیدگی خواهد کرد که به واسطه‌ی پیشرفت‌های اخیر در جامعه و رشته‌ی علمی، تر خود فلسفه همچون تجسم، معنویت و فناوری، و مذهب و معنویت و بین فرهنگی تعریف می‌شوند. بنابراین شبکه‌ی تحلیلی، ایجاد تاریخچه‌ی ایده‌ها است که ایده‌های بنیادی ایجاد شده در مورد اوقات فراغت در کل تاریخ را از یک سو شناسایی می‌کند و توضیح می‌دهد، و از سوی دیگر، ایده‌هایی که با حوزه‌ی بررسی امروزه مرتبط هستند. این ماجراجویی تحلیلی و آوردن مفاهیم از ادوار تاریخی مختلف در گفتگوی با یکدیگر از طریق جستار در ماهیت بسیار عینی، وجود یا هستی

هدایت می‌شود.

کتاب شامل ۳ بخش است که از نظر موضوعی از طریق ۲ اینترنتوزو (میان پرده، میان آیند) وصل می‌شود. و با یک نتیجه‌گیری مختصر خاتمه می‌یابد.

بخش اول، که از یونانی‌های باستان شروع و به زمان جاری خاتمه می‌یابد، یک فصل دارد که دید کلی از ایده‌های مختلف اوقات فراغت را ارائه می‌کند همانطور که از طریق تاریخ در رابطه با ایده‌آل اوقات فراغت تصور و نظریه‌پردازی شده است. ایده‌ای اوقات فراغت محتملاً معرّف مفهوب اوقات فراغت است.

میان پرده ۱ بخش اول را به بخش دوم وصل می‌کند که مبانی اوقت فراغت را در ۴ فصل، با ارزیابی ماه (مدرن / پست‌مدرن) روح زمانه از نظر فلسفی تحلیل می‌کند. این ارتباط از این حیث نائزاهیت است که اوقات فراغت همیشه در یک دوره‌ی تاریخی خاص مفهوم‌سازی و درک می‌شود.

تحلیل فلسفی در بخش دوم با کنکاش بین موضوعات فلسفی همچون آزادی، مقصود و تجربه، هویت و اخلاق، و با تالاب ماصر و کاربرد مفاهیم اوقات فراغت بیان می‌شود. این ۴ موضوع در فصول ۲ تا ۵ کاوش می‌شود. فصل ۲ آزادی و اختیار آزادی را به عنوان سازنده‌ی رفتار اوقات فراغت بررسی می‌کند؛ فصل ۳ به بررسی‌های مفهومی، پیشایندها و رفرنس‌های تجربی «مصدق» و «تجربه»، و ارتباطشان با سایر عوامل یا اوقات فراغت می‌پردازد؛ فصل ۴ راجع به نقش اوقات فراغت با هویت شخصی است و فصل ۵ رابط (متقابل) بین اوقات فراغت و اخلاق را در مقابل زمینه‌ی ارزش هستی‌شناسی که برای بازتاب ایده‌ی اوقات فراغت دارند، عنوان می‌کند.

بخش ۳ بر میان پرده ۲ مقدم است، و تحلیل مبانی اوقات فراغت را با جهات آتی محتمل در بررسی اوقات فراغت مرتبط می‌کند. این میان پرده اوقات فراغت، حالات پست‌مدرن اوقات فراغت را به عنوان «هنر زندگی» ترکیب می‌کند. مثلاً بخش سوم به جهات آتی در بررسی اوقات فراغت می‌پردازد. در فصل ۴ به این جهات رسیدگی می‌شود. فصل ۶ تجسم را با موجودیت بالقوه (واقعیت) مقایسه می‌کند، با توجه به اینکه در کاربرد اینترنت و رسانه‌های اجتماعی در اوقات فراغت ظاهر می‌شود؛ فصل ۷ از بررسی بیشتر در تداخل‌های (مفهومی و تجربی) بین اوقات فراغت و معنویت، بر پایه‌ی مرکزیت جاری معنویت در منقشه

سکولاریزاسیون و عامه) دفاع می‌کند؛ فصول ۸ و ۹ مربوط به نقش بالقوه‌ی اوقات فراغت در بهبود رفاه هستند. تمرکز فصل ۸ روی نقش پیگیری‌های اوقات فراغت در خودشکوفایی و استفاده از اوقات فراغت است در آنچه شما می‌خواهید همان باشید یا کسی که احتمالاً نزدیک به آن هستید. این فصل پیرامون بهبود رفاه شخصی و سلامت ذهنی از طریق اوقات فراغت است. فصل ۹ در مورد برون‌یابی تمرکز خوداصلاحی فردگرایانه‌ی فصل ۸ در اجرای اوقات فراغت و مفاهیم مرتبط با اوقات فراغت برای تسهیل رفاه گروهی و هم‌آفرینی راه‌حل‌ها برای مشکلات مشترک است.

در آخر، بخش نتیجه‌گیری، اجزای متشکله‌ی اوقات فراغت، ایده‌ی اوقات فراغت، از جایگزینی تاریخی اثر بحران فلسفی ارتباط‌اش با آزادی، مصداق و تجربه، هویت و اخلاق نگاشت می‌شوند. مثلاً، فصل در اینجا آن است که آیا ماجراجویی فلسفی اتخاذ شده در این کتاب، منظر باورکردنی (مختمل) را در خلق رویکردهای جدید برای بررسی اوقات فراغت هدف‌گیری کرده است یا خیر.

مؤلفین فصول را مطابق با موضوعاتی که علائق با مهارت خودشان نزدیک‌تر هستند، بین خودشان تقسیم کرده‌اند. باور^۱ مقدمه، فصول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و استدلال‌های پایانی را توضیح می‌دهد، درحالی‌که ون^۲ لوین فصول ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ را توضیح داده است. مؤلفین در پرداختن به عدم صراحت مفاهیم بسیاری که بونی در درک (یکی از) بنیادی‌ترین اجزای زندگی بشریت: اوقات فراغت رنج‌ها کشیده‌اند. معنی اوقات فراغت هرچه باشد، در مفهوم بوئت^۳ و همکاران نمایان می‌شود که در اینجا نهفته است، انتصار (نبرد) در تلاشی برای خلق نظم در واقعیت ریزش‌شده. این مفهوم در ماجراجویی اتخاذشده در این کتاب هم مدق می‌کند.

1. Bouwer

2. Puett